

انسان شناسی اجتماعی و فرهنگی

انسان شناسی اجتماعی و فرهنگی با آنکه از تاریخچه‌ای غنی برخوردار است، رشته‌ای جوان محسوب میشود. برخی از دانشمندان مانند جورج مردوک عقیده دارند که این رشته «بتازگی از دوره طفولیت خارج شده است» موضوعی که توجه را جلب میکند اینست که انسان‌شناسی اجتماعی و فرهنگی از سویی هنوز وحدت داخلی کسب نکرده و از سوی دیگر ناگزیر است قلمرو مطالعات خود را مجدداً مشخص کند.

لازم به یادآوری است که در زمینه انسان‌شناسی اجتماعی و فرهنگی، گرایشهای نظری بسیار متنوعی وجود دارد. انسان شناسی اجتماعی و فرهنگی خانه مشترک مکتبهای فکری متعدد بشمار میآید ولی قسمتهای مختلف این خانه با باهم ارتباط ناقص دارند و یا اصلاً فاقد ارتباطند. بعبارت دیگر همه ساکنین این خانه در مورد اینکه نمای ساختمان چیست و قسمت اصلی آن کدام است، باهم اختلاف نظر دارند.

بحثهایی که پیرامون نام گذاری این علم جریان دارد، خود نخستین نشانه جوان بودن علم مزبور است. انتخاب اصطلاح «انسان‌شناسی اجتماعی و فرهنگی» بلافاصله مسئله‌ای را پیش میآورد: برخیها اصطلاح «انسان شناسی اجتماعی» و برخی دیگر اصطلاح «انسان‌شناسی فرهنگی» را به تنهایی کافی میدانند. بدین معنی که گروهی از دانشمندان که از مکتب اصالت فرهنگ پیروی می کنند معتقدند که انسان‌شناسی اجتماعی جزئی از انسان‌شناسی فرهنگی است و گروهی دیگر که پیرو مکتب اصالت جامعه (۳) هستند عقیده دارند که انسان‌شناسی فرهنگی شاخه‌ای از انسان‌شناسی اجتماعی است. عده‌ای نیز این دو اصطلاح را بیک معنی در نظر میگیرند.

در سمپوزیوم بین‌المللی انسان‌شناسی که در سال ۱۹۵۲ در نیویورک تشکیل گردید، این مسئله مورد بحث قرار گرفت و نظرات بسیار گوناگونی در این زمینه ابراز شد. عده‌ای از شرکت کنندگان مانند زیگفرید نادل (۴) بر این عقیده بوده‌اند که دو اصطلاح «انسان‌شناسی اجتماعی» و «انسان‌شناسی فرهنگی» باهم اختلاف واقعی ندارند و گزینش یکی از آن دو بیشتر جنبه تفتنی داشته است. عده‌ای دیگر مانند کلود لوی - اشتراوس (۵) عقیده داشته‌اند که این دو اصطلاح نمایشگر دو نقطه نظر درباره یک واقعیت واحد یا دو طریق تحقیق درباره یک واقعیت واحد است. لوی - اشتراوس در این زمینه میگوید: «انسان را میتوان بعنوان یک حیوان ابزار ساز و بیا یک حیوان اجتماعی تعریف نمود. اگر انسان را بعنوان یک حیوان ابزار ساز در نظر بگیریم، تحقیق را با مطالعه ابزار شروع میکنیم و سپس نهاد را بعنوان ابزاری که روابط اجتماعی را ممکن میسازد، مورد مطالعه قرار میدهیم. این «انسان شناسی فرهنگی» است. اگر انسان را بعنوان یک حیوان اجتماعی در نظر بگیریم، تحقیق را با مطالعه روابط اجتماعی آغاز میکنیم و سپس به مطالعه ابزار و فرهنگ، یعنی وسیع‌گانه، بعنوان وسیله حافظ روابط اجتماعی میپردازیم. این، انسان‌شناسی اجتماعی است».

باید اضافه نمود که عده‌ای از شرکت‌کنندگان در سمپوزیوم مذکور که اکثراً انسان‌شناسان آمریکائی بوده‌اند، با این نظرات توافق نداشته و «انسان شناسی اجتماعی» و «انسان شناسی فرهنگی» را دو رشته کاملاً متمایز با ابعادی متفاوت، دانسته‌اند. تعیین جایگاه انسان‌شناسی اجتماعی و فرهنگی در یک سلسله از رشته‌های علمی که تاریخچه‌ای

تقریباً مشترک داشته‌اند، ضروری بنظر میرسد.

انسان‌شناسی (۶) به معنی وسیع کلمه، یعنی شناخت انسان بطور کلی، از دو بخش بزرگ تشکیل میگردد. در مورد بخش اول یعنی «انسان‌شناسی جسمانی» که آنکولوساکونیا (Physical Anthropology) و فرانسیوان (Anthropologie Physique) یا غالباً به اختصار (Anthropologie) مینامند، اختلاف نظری وجود ندارد. مسئله رابطه میان خصوصیات جسمانی انسان و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی او، همیشه مورد توجه خاص بوده است و امروز نیز اهمیت آن مورد قبول ممکن قرار دارد. نام‌گذاری بخش دوم به مراتب دشوارتر است.

بیشتر آمریکائیان این بخش را بطور کلی «انسان شناسی فرهنگی» (۷) مینامند، انگلیسیها غالباً از اصطلاح «انسان‌شناسی اجتماعی» (۸) استفاده میکنند و اکثر فرانسیوان اصطلاح «مردم شناسی» (۹) را بکار میبرند. بدین ترتیب ملاحظه میشود که اصطلاحات مختلف در کشورهای گوناگون به یک معنی بکار نمیروند. اگر بخواهیم از تعصبات ملی پنا فراتر بگذریم، بهتر است بخش دوم علم انسان‌شناسی را «انسان شناسی اجتماعی و فرهنگی» نامگذاری نمائیم و هم‌ریک از اصطلاحات «انسان‌شناسی فرهنگی» «انسان‌شناسی اجتماعی» و «مردم‌شناسی» را بعنوان یکی از مراحل تحقیق در زمینه یک رشته واحد که همان انسان‌شناسی اجتماعی و فرهنگی است در نظر بگیریم.

مرحله اول هرگونه تحقیق انسان‌شناسی اجتماعی و فرهنگی شامل جمع‌آوری اطلاعات و ابزارها و وسائل مادی در محل و توصیف آنهاست. این مرحله را معمولاً

«مردم نگاری» (۱۰) مینامند. در این مرحله از کلیه خصوصیات فرهنگ مادی یک جامعه کوچک انسانی صورت‌برداری میشود. همه مکتبهای فکری و تمام گرایشهای ملی، این مرحله را برای مطالعه پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی ضروری میدانند. سپس مراحل ترکیب و تعمیم فرامیرسد. ترکیب و تعمیم اساساً بدو طریق و در سطح‌های مختلف انجام میگردد. طریق اول که به آن مردم‌شناسی، تاریخ فرهنگی، انسان‌شناسی فرهنگی و غیره اطلاق میشود، یا ترکیبات وسیعتری را آماده میکند که بر آن آگاهی «انسان‌شناسی اجتماعی» نام می نهد و یا ترکیبات خوبسنده عرضه میدارد.

عقیده لوی - اشتراوس و تحقیق در این سطح در سه جهت اساسی انجام میگردد: «اگر بخواهیم اطلاعات مربوط به گروه‌های همسایه را باهم ترکیب کنیم، جهت جغرافیائی را انتخاب میکنیم. اگر حدفمان بازنمائیم گذشته یک یا چند قوم باشد، جهت تاریخی را برمیگزینیم. بالاخره اگر بخواهیم نوعی تکنیک یا نهاد خاصی را بطور جداگانه مورد مطالعه همه‌جانبه قرار بدهیم، جهت سیستماتیک را پیش می‌گیریم».

بطور بسیار کلی میتوان گفت که تحقیق در این سطح عبارتست از تحلیل و تبیین تفاوتها و شباهتهای موجود میان فرهنگهای مختلف. تاریخ انسان‌شناسی نشان میدهد که مطالعات تاریخی و جغرافیائی تا چه حد در این سطح تحقیق اولویت داشته‌اند.

هدف از طریق دوم، ترکیب و تعمیم در سطح کلی است. لوی - اشتراوس در این زمینه میگوید: «هدف انسان‌شناسی، شناخت کلی انسان در همه شرایط بقیه در صفحه ۵۶»

11. James J. Gillespie, Free Expression in Industry (London: Pilot Press, 1948).
12. G. M. Arensberg, et al., Research in Industrial Human Relations (New York: Harper and Bros., 1957), 61; a, 63; b, 61.
13. William H. Whyte, Jr., The Organization Man (New York: Simon and Schuster, 1956), 151.
14. Peter F. Drucker, "Labor in Industrial Society," (The Annals, March 1951).
15. Marshall W. Fishwick, American Heroes: Myth and Reality (Washington: Public Affairs Press, 1954).
16. Robert Warshaw, "The Gangster as Tragic Hero" (Partisan Review, February, 1948).
17. F. W. Taylor, Shop Management (New York: Harper and Bros., 1911).
18. Glenn Gilman, Human Relations in the Industrial South-east (Chapel Hill: University of North Carolina Press, 1956), 20; a, 22-23; b, 288.
19. W. Lloyd Warner and J. O. Low, The Social System of the Modern Factory (New Haven: Yale University Press, 1947), 108 ff.
20. Emile Durkheim, The Division of Labor (Glencoe, Ill.: Free Press, 1947), 449.
21. Lewis Mumford, "The Conduct of Life" (New York: Harcourt Brace & Co., 1951), 14.
22. W. C. Menninger, Social Change and Scientific Progress (Cambridge: Massachusetts Institute of Technology, 1951), 214.
23. Ely Chinoy, Automobile Workers and the American Dream (Garden City: Doubleday & Co., 1955).
24. David Riesman, The Lonely Crowd (New Haven: Yale University Press, 1950), 130.
25. Gilman, op. cit., 300; FROMM, op. cit., 93.
26. David Riesman, Individualism Reconsidered (Glencoe, Ill.: The Free Press, 1954), 88.
27. Arthur W. Kornhauser et al., Industrial Conflict (New York: McGraw-Hill Book Co., 1954), 19.
28. Ellsworth Faris, "The Retrospective Act" (Journal of Educational Sociology, October 1940), 79-91; C. A. Hickman and M. H. Kuhn, op. cit., 26; FROMM, op. cit., 93.
29. Clinton S. Golden and H. Ruttenberg, The Dynamics of Industrial Democracy (New York: Harper and Bros., 1942).
30. E. L. Trist and V. Bamforth, "Some Social and Psychological Consequences of the Langwall Method" (Human Relations, 1951).
31. Burleigh B. Gardner and David G. Moore, Human Relations in Industry (Homewood, Ill.: Richard D. Irwin Inc., 1955), 231.



فروشگاه های کفش ملی
نمایشگر زیباترین مدل های سال

باقیه) انسان شناسی اجتماعی و فرهنگی

شناسی اجتماعی و فرهنگی شامل کلیه مراحل تحقیق ملوکوردی فوق است یعنی کلیه جنبه های جمع آوری اطلاعات و ابزارها و وسائل مادی و تفسیر آنها در سطح های مختلف تمییم رادر بردارد .

تاریخی و جغرافیائی است ... انسان شناسی باید به نتایج دست یابد که چه مثبت و چه منفی ، در مورد تمام جوامع انسانی ، از شهر بزرگ امروزی گرفته تا کوچکترین قبیله ملانزی ، معتبر باشد .

- 1- George Murdock
- 2- Culturalisme
- 3- Sociologisme
- 4- Siegfried Nadel
- 5- Claude Lévi-Strauss
- 6- Anthropology
- 7- Cultural Anthropology
- 8- Social Anthropology
- 9- Ethnologie
- 10- Ethnographie

خلاصه آنکه تعاریف مختلفی از « انسان شناسی اجتماعی و فرهنگی » پیشنهاد شده است. نکته اساسی اینست که در نظر داشته باشیم که هدف « انسان شناسی اجتماعی و فرهنگی » توصیف خصایص کلی هرگونه زندگی اجتماعی و فرهنگی و تبیین آن بمنظور محدود کردن اختلافات شکفت انگیز بشری است . انسان